



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1204

Lesson No: 1204 **Tags:** American Language Course, UNIT 1204, Glossary

Modal auxiliaries	افعال ناقص کمکی یا مُدال ها فعلهای will و would و can و could و shall و should و may و might و would	Takes	طول کشیدن، زمان بردن
Visit	دیدن	Fly	پرواز کردن
Sound like	به نظر رسیدن (به خاطر شنیده ها)	Across	به آن طرف، از این سو به آن سو
To	به نظر، از نظر	Country	کشور
That sounds like an interesting city to me.	به نظرم شهر جالبی میاد.	How long	چه مدت؟ چقدر زمان؟ کلمه پرسشی که در مورد طول مدت سؤال می کند.
National Park	پارک ملی، مناطق بسیار وسیع دارای مناظر طبیعی جذاب که مردم برای تفریح به آنجا می روند.	Depend on (upon)	بستگی داشتن
Grand Canyon	بزرگ، باشکوه و مجلل دره تنگ و باریک	How	چطور، چگونه
Grand Canyon	گراندد کانیون، نام یکی از پارکهای ملی واقع در سمت غرب ایالات متحده است.	Long	طولانی، دراز
Stone	سنگ	By ship	با کشتی
Yellowstone	یلوستون، نام یکی از پارکهای ملی واقع در سمت غرب ایالات متحده است.	Hundred	صد
Wait a minute...	صبر کن ببینیم بابا...، کجا با این عجله...	Twenty-eight hundred	۲۸۰۰، در زبان انگلیسی آمریکایی، اعدادی مانند ۱۱۰۰ و ۱۲۰۰ و ... گاهی به این صورت بیان می شوند.
Far	دور	Mile	واحد مسافت در آمریکا معادل حدوداً ۱۶۱۰ متر
Apart	جدا، سوا از هم	East	شرق
Far apart	دور و جدا از هم	West	غرب
Far away	دور از هم	Sixteen hundred miles	۱۶۰۰ مایل
Why?	چطور مگه؟ چرا می پرسی؟	North	شمال
Cousin	پسر عمو، پسر دایی، پسر عمه، پسر خاله دختر عمو، دختر دایی، دختر عمه، دختر خاله	South	جنوب
Both	هر دو	Gulf	خلیج
While	در حالی که، هنگامی که	Atlantic	اطلس
In the States	در آمریکا	Ocean	اقیانوس
Maybe	شاید	Pacific Ocean	اقیانوس آرام
If	اگر	So	آنقدر
Plane	هواپیما	Hard	دشوار، سخت
		Hard to describe	توصیفش سخته
		Northeastern	مربوط به شمال شرقی
		Part	بخش، قسمت
		Important	مهم
		Manufacturing	تولیدی
		Region	منطقه، ناحیه
		Factory	کارخانه



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1204

Lesson No: 1204 **Tags:** American Language Course, UNIT 1204, Glossary

Around	اطراف، در اطراف، دور و بر	Packing	بسته بندی کردن
Such as	از قبیل، مانند	Industry	صنعت
Port	بندر	Farther	دورتر
Carry on	انجام دادن	Farther to the West, ...	هر چه بیشتر به سمت غرب می رویم...
Trade	تجارت، بازرگانی	Hogs	خوکها
At one time	یه زمانی، یه وقتی	Sheep	گوسفندان (مفرد و جمع این کلمه یک شکل است.)
Southeast	جنوب شرقی	Vegetables	سبزیجات (مانند هویج و سیب زمینی و پیاز و فلفل و ...)
Crop	محصول کشاورزی	Fruits	میوه ها
Cotton	کتان، پنبه	Mining	معدنکاری، صنعت معدن
Still	هنوز	Fishing	ماهیگیری، شیلات
Grow	رشد کردن، پرورش یافتن	Lumber	الوار
Industries	صنایع	Lumbering	الوارسازی، چوب بری
Especially(adv.)	به خصوص	Northwestern	مربوط به شمال غربی
Textile	نساجی، پارچه بافی	Coast	ساحل
Mill	کارخانه، در اصل یعنی آسیاب	Coastal	ساحلی
Textile mills	کارخانجات نساجی	Port city	شهر بندری
Move	نقل مکان کردن، جا به جا شدن	On the west coast	در ساحل غربی
Warm	گرم	Asian	آسیایی
Climate	آب و هوا، اقلیم	Eastern Time	زمان شرقی، زمان پایتخت آمریکا و ایالات شرقی
Labor	کار، کارگر	Central Time	زمان مرکزی
Supply(n.)	عرضه، ارایه، موجودی	Mountain	کوه
Oil	نفت	Mountain Time	زمان کوهستانی، منظور زمان مربوط به ایالتهای غربی آمریکا است که عمدتاً کوهستانی هستند.
Middle	میانه، وسط	Pacific Time	زمان ایالتهای غربی آمریکا مانند کالیفرنیا که در ساحل اقیانوس اطلس واقع شده اند.
Middle West	منظور میانه غربی آمریکا است.	Zone	ناحیه، منطقه
Corn	ذرت	Time Zones	نواحی زمانی چهارگانه ایالات متحده آمریکا
Wheat	گندم	Across	سرتاسر
Raise	پرورش دادن، پرورار کردن، تربیت کردن	What about fishing?	ماهی گیری چطور؟
Beef	گاو گوشتی، گوشت گاو	Be sure	مطمئن شوید
Cattle	گله حیوانات پرورشی مانند گاوها و گوسفندان و...	Meaning	معنی، مفهوم
Most of	بیشتر، اکثر	Rise	طلوع کردن
Car	خودرو	The sun rises in the east.	خورشید در شرق طلوع می کند.
Center	مرکز		
Meat	گوشت		



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1204

Lesson No: 1204 **Tags:** American Language Course, UNIT 1204, Glossary

Would rather	ترجیح دادن	Distance	فاصله
Would you rather ...	آیا تو ترجیح می دهی ...	It's quite a distance.	فاصله زیاد است.
River	رودخانه	Almost	تقریباً
River port	بندر رودخانه ای	Express	بیان کردن
Far East	خاور دور (منظور شرقی ترین کشورهای آسیا مانند چین و هند و ژاپن و کره و... است.)	Ability	توانایی
Automobile	اتومبیل، خودرو	Inability	ناتوانی
Agriculture(n.)	کشاورزی	Request	خواهش، تقاضا
Agricultural regions	مناطق کشاورزی	Make a request	خواهش کردن
Mountainous(adj.)	کوهستانی	However	با این وجود، در عین حال، در هر حال، لیکن، معهدا
Meat packing	بسته بندی گوشت	Prefer	ترجیح دادن
Main	اصلی، عمده، بزرگ	Consider	در نظر گرفتن
Leading	اصلی، عمده، بزرگ، پیشرو	Inappropriate	نامناسب
Leading industries	صنایع بزرگ	May I see you for a minute?	می تونم یه دقیقه شما رو ببینم؟
Raise	بالا بردن	Permission	اجازه
Raise the window, please.	لطفاً پنجره رو بده بالا.	Indicate	نشان دادن، دلالت کردن
To ask a question, <u>raise</u> your hand.	برای سؤال پرسیدن، دستتو ببر بالا.	Possibility	امکان
Coal	زغال، زغالسنگ	Probability	احتمال
Coal mining	استخراج از معدن زغال سنگ	After all	با این وجود، بعد از همه این حرفها، هر چه باشد
Silver	نقره	He may not come after all.	با این وجود ممکنه نیاد.
Silver mining	استخراج از معدن نقره	Promise	قول، وعده، عهد
Favorite	مورد علاقه	I will write often.	من قول می دهم زیاد نامه بفرستم.
Sport	ورزش	Suggest	پیشنهاد دادن
On the coast	در ساحل	Fulfillment	انجام کار
Enjoy	لذت بردن	Condition	شرط
Seaport	بندر دریایی	Attitude	رویکرد، گرایش، نگرش، طرز برخورد
Sea	دریا	Obligation	اجبار
Scenery	منظره، چشم انداز	Necessity	ضرورت
Appearance	ظاهر	You shouldn't drive <u>so</u> fast.	شما نباید اینقدر تند برانید.
Farther	دورتر، صفت تفضیلی far	Introduced	معرفی شده
Tired	خسته	Advice	نصیحت، پند، مشاوره
Cloth	پارچه	Offer	ارایه دادن
Quite	کاملاً	This	اینقدر، در اینجا this ضمیر اشاره نیست، بلکه یک تشدید کننده است.



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1204

Lesson No: 1204 **Tags:** American Language Course, UNIT 1204, Glossary

Should I call <u>this</u> late?	آیا من اینقدر دیر باید تلفن بزنم؟	Not very far.	خیلی دور نیست.
Strong	قوی	Couple	زوج
Sense	حس	A couple of	چند تا
Must indicates a strong <u>sense</u> of obligation.	کلمه must یک حس اجبار قوی را بیان می کند.	Just a couple of blocks	فقط چند تا بلوک (خیابان)
Headquarters	دفتر مرکزی شرکت، مرکز فرماندهی پادگان	It's close.	نزدیک است.
You <u>must</u> report to the headquarters	تو باید به مقر فرماندهی گزارش بدهی. (یک باید بسیار قوی و جبری)	It doesn't take long.	خیلی طول نمی کشد.
Midnight	نصف شب، نیمه شب	It takes several hours.	چندین ساعت طول می کشد.
You must not call after midnight.	تو نباید بعد از نیمه شب زنگ بزنی.	How long does it take you?	چقدر از تو وقت می گیره؟
Picture	فیلم (سینمایی)	Department	دپارتمان، بخش
Will they see a good picture?	آیا آنها یک فیلم خوب خواهند دید؟	Department store	فروشگاهی که در آن کالاها در بخشهای مختلفی عرضه می شوند؛ فروشگاه زنجیره ای
Text	متن، در اینجا منظور Text Book به معنی کتاب درسی است.	Transistor radio	رادیو ترانزیستوری
May we begin the text now?	می تونیم الان درسو شروع کنیم؟	Cheap	ارزان
Make mistake	اشتباه کردن	Table radio	رادیوی لامپی رومیزی (نسل قبل از رادیو ترانزیستوری)
Chance	فرصت، شانس	Expensive	گران
Awaken	بیدار کردن	Cost	ارزیدن، قیمت داشتن
He mustn't be awakened early.	او نباید زود بیدار شود.	It cost fifteen dollars.	قیمتش ۱۵ دلار بود.
Little	کوچک	Bargain(n.)	معامله خوب و مقرون به صرفه
Little children	بچه های کوچک	She thought it was a bargain.	او فکر می کرد که مقرون به صرفه بود.
Up	بیدار	Phonograph	گرامافون، نسل قدیمی پخش صدا از روی یک صفحه مغناطیسی
Stay up	بیدار ماندن	Radio-phonograph	رادیو گرامافون
Stay up late	تا دیروقت بیدار ماندن	Decide upon (on)	تصمیم گرفتن (بر)
Big children	بچه های بزرگ	What did she decide upon?	بر چه چیزی تصمیم گرفت؟
Take a trip	سفر کردن	Rug	قالیچه، فرش
Hear	شنیدن، گوش کردن	Supper	شام
Manufacture	تولید کردن	She is looking at the bargains.	او در حال تماشای کالاهاى تخفیف خورده و مناسب است.
How far is it?	چقدر فاصله است؟ چقدر دوره؟	Take place	اتفاق افتادن
It's quite a distance.	خیلی فاصله است.	Happen	اتفاق افتادن
It's quite far.	کاملاً دور است.	Make up one's mind	تصمیم گرفتن، مصمم شدن
It's a long way.	راه طولانی است.	Who can make up his mind about going?	چه کسی می تونه تصمیم بگیره درباره رفتن؟



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1204

Lesson No: 1204 **Tags:** American Language Course, UNIT 1204, Glossary

So	اینگونه	He wouldn't study.	او تمایل نداشت درس بخونه.
And we must do so now.	و ما باید اینگونه عمل کنیم الان.	Run	رد کردن، عبور کردن (از چراغ راهنمایی)
Blue Room	نام یک کلاب شبانه است.	You shouldn't run a red light.	تو نباید چراغ قرمز رو رد کنی.
Get	خواستن	Speed.	با سرعت راندن
Play	نواختن، پخش کردن (صدا و موسیقی)	You shouldn't speed.	تو نباید تند برانی.
Who could we get to play for us?	از چه کسی می تونیم بخواهیم که برامون موسیقی بنوازد؟	Uniform	یونیفرم، لباس متحدالشکل
Afford	استطاعت مالی داشتن، بودجه کافی داشتن	Civilian	غیر نظامی
Stafford Band	باند موسیقی استافورد، یک گروه مطرب قدیمی	Civilian suit	کت شلوار غیر نظامی
We could afford the Stafford Band.	پولمون می رسه که باند استافورد رو دعوت کنیم. [برامون بزنه]	Dress uniform	یونیفرم رسمی
Who hasn't made up his mind yet?	چی کسی هنوز تصمیمش رو نگرفته؟	Limit	حد
Everybody has made up his mind.	همه تصمیمشان را گرفته اند.	Speed limit	حداکثر سرعت
traffic	عبور و مرور	Chocolate	شکلات
Traffic light	چراغ راهنمایی و رانندگی	Who should we give the chocolate to?	شکلات را باید به کی بدیم؟
Generally	عموماً، کلاً	Sing	آواز خواندن
Above	بالای	Let me have	بده به من
On the corner	در گوشه چهارراه	Could you let me have five dollars?	می تونی ۵ دلار به من بدی؟
Right	بسیار خوب	Until	تا
Ahead	جلو، جلویی	Payday	روز پرداخت حقوق
Blink	چشمک زدن	I can let you have five until payday.	می تونم ۵ دلار تا روز پرداخت حقوق بدم.
The one ahead is blinking.	او یکی جلویی داره چشمک می زنه.	Once more	یه بار دیگه
What does it mean?	یعنی چی؟ چه معنایی می دهد؟	Interrogative	پرسشی، استفهامی
Caution	احتیاط	Distinguish	تمیز دادن، تفاوت قایل شدن
Use caution	احتیاط کردن، مواظب بودن	Tongue	زبان
But use caution.	اما احتیاط کن.	Tip	نوک، سر
Suppose	فرض کردن، تصور کردن	Touch	لمس کردن، برخورد کردن
On Christmas	در روز کریسمس (۲۵ دسامبر میلادی)	Ridge	برآمدگی، برجستگی
Cloudy	ابری	Side	کنار، کناره، لبه
Condition	شرط	Grass	چمن
Out of	بدون	Glass	لیوان، شیشه
It was out of gas.	آن بنزین نداشت.		